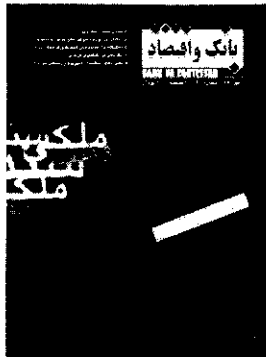


محمود رضا خاوری، قائم مقام مدیر عامل و عضو هیأت مدیره بانک سپه:



اصل، نوع معامله و طرح است و وثیقه یک شرط فرعی است

آیا دارو و ترکیبات آن را می‌شناسد؟ چگونگی بهره‌برداری از ماشین‌آلات و تجهیزات را می‌داند؟ و چقدر می‌تواند خط تولید را راهبری کند؟ عامل چهارم هم دریافت وثیقه است.

اما در بخش دوم، اگر در اثر بررسی‌ها معلوم شود که متقاضی دارای صلاحیت کافی و لازم می‌باشد، آن وقت بانک در قبال قرارداد لازم‌الاجرا که ساده‌ترین و کم هزینه‌ترین روش است، می‌تواند تسهیلات را پرداخت کند و یا برای اطمینان بیشتر، طرح مشتری به وثیقه گرفته می‌شود و تسهیلات پرداخت می‌گردد. ما مشتریانی نیز داریم که برای اجرای طرح‌شان سند رسمی ندارند و طرح تولیدی خود را در اراضی شهرک‌های صنعتی، اراضی اوقافی و اراضی استیجاری اجرا می‌کنند و ما هم به موجب قوانین و آیین نامه‌ها و مصوبه دولت، در قبال دریافت این اسناد به عنوان وثیقه، تسهیلات به آنها پرداخت می‌کنیم.

آنچه مسلم است، وثیقه فرع بر اصل است. ما اصل را در امکان اجرای طرح و توان و تخصص فرد متقاضی می‌بینیم. اما اگر در بررسی‌های بانک طرح مورد نظر مورد تردید باشد، ولی متقاضی اصرار داشته باشد که ریسک کند، ما برای پوشش ریسک بانک و برای حمایت از تولید وثیقه می‌گیریم. در واقع، این وثیقه هم در متقاضی ایجاد انگیزه می‌کند و برای بانک اطمینانی را ایجاد می‌کند که بتواند ریسک را قبول کند.

به طور کلی، تمام بررسی‌های ذکر شده برای حرکت صحیح پول در چرخه اقتصادی است و چون یکی از وظایف سیستم بانکی حفظ قدرت پول و گردش صحیح اعتبارات است، پس با این اهداف شاید بتوان گفت که نیازی به تصویب قانون عدم الزام نبود، چون ما در گذشته نیز این اصل را در نظر می‌گرفتیم و اجرا می‌کردیم.

● پس با توضیحات جنابعالی، اصراری در گفتن وثیقه نیست؟

● جناب آقای خاوری، با تشکر از حضور شما در این گفتگو، به عنوان اولین سوال بفرمایید که هدف قانونگذاران از تصویب قانون عدم الزام سپردن وثیقه ملکی به بانک‌ها چه بوده است؟ و چرا بانک‌ها بیشتر تمایل دارند که از متقاضیان تسهیلات، وثیقه غیر منقول بگیرند؟

○ به نظر می‌رسد که هدف قانونگذاران و طراحان این طرح این بوده که تسهیلاتی را برای فعال کردن مجموعه تولید در کشور فراهم کنند. نگاهی به آمار و عملکرد بانک‌ها نشان می‌دهد که در گذشته هم بانک‌ها در پی این هدف بوده‌اند و در این راستا حرکت کرده‌اند.

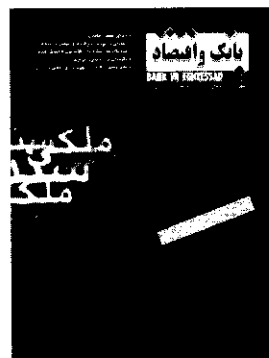
در پاسخ به بخش دوم سوال شما، قبل از هر چیز باید به نقش وثیقه در اعطای تسهیلات اشاره کرد. از نظر بانک، وثیقه یکی از شرایط اعطای تسهیلات است. به طور کلی، بانک برای اعطای تسهیلات به متقاضیان بخش‌های تولید یا بازرگانی، مجموعه شرایط متقاضی را بررسی می‌کند و در صورت وجود شرایط مناسب، مبادرت به اعطای تسهیلات می‌کند. اصل، نوع معامله و طرح است و وثیقه به عنوان یک شرط فرعی مطرح می‌شود.

به طور کلی، برای اعطای تسهیلات بررسی‌های بانک در دو بخش صورت می‌گیرد:

بخش اول، بررسی صلاحیت مشتری است. در این مقوله ۴ فاکتور اساسی مورد توجه قرار می‌گیرد: ۱- حسن شهرت، ۲- داشتن مدارک و مجوزهای لازم از ارگان‌های مختلف ذریع، ۳- تخصص و توان اجرای طرح یا انجام معامله. به عبارت روشن‌تر، فرد متقاضی باید در ارتباط با طرح مورد نظر خود تجربه داشته باشد و در صورت عدم تخصص، باید از مدیریت قوی برخوردار باشد تا بتواند با استفاده از متخصصان، طرح مورد نظر را به بهره‌برداری برساند. به عنوان مثال، اگر فردی مدعی ایجاد یک شرکت داروسازی است، باید بررسی شود که



▲ خاوری: متقاضیان طرح‌های تولیدی باید به نظر کارشناسی بانک توجه کنند.



می‌بینیم که میزان مطالبات معوق در سطوح ۱/۲، ۱/۹، ۴/۱، ۵/۴ تا ۶ درصد در بانک‌های تجاری وجود دارد و این امر نشان می‌دهد که بانک‌هایی که بالای ۲ درصد مطالبات معوق دارند، باید احتیاط بیشتری را در معاملاتشان به خرج دهند.

حال، اگر ما به متن قانون عدم‌الزام سپردن وثیقه ملکی به بانک‌ها نگاه کنیم و صرفاً به درخواست متقاضی توجه داشته باشیم و بررسی بانک را کنار بگذاریم، می‌بینیم که احتمال افزایش میزان مطالبات معوق بیشتر می‌شود و بعضاً مشکلات اجرایی و اجتماعی هم ممکن است ایجاد کند. برای مثال، موارد زیر در متن قانون جلب توجه می‌کند:

رهن گرفتن اصل طرح: در این خصوص باید گفت که اگر طرح توجیه کامل داشته باشد و نگرانی و تردیدی نداشته باشد، بانک به اصل طرح توجه می‌کند و آن طرح را به وثیقه می‌گیرد. این عمل در گذشته و حال انجام می‌شود و وثیقه اضافی هم مطالبه نمی‌شده و نمی‌شود.

اسناد زراعی: در ارتباط با این مبحث ما باید به این موضوع توجه داشته باشیم که وصول یک طلب از زمین‌های زراعی چقدر سخت است و چه آثاری دارد. مثلاً اگر بانک اسناد زراعی را در یک ده به رهن بگیرد و در صورت لزوم اسناد را تملیک کند، باید این ملک را به افراد آن ده بفروشد. با توجه به ساختار فرهنگی روستا آیا کسی حاضر به خرید آن ملک هست؟ از طرفی، این مساله ممکن است موجب جنجال‌هایی نیز بشود. اگر هم موفق نشد که آن را بفروشد، چه بهره‌ای از این زمین‌ها می‌تواند ببرد؟ هدف بانک از تملک آن چیست؟ پس باید وثیقه سهل‌البیع باشد تا اگر مشتری نتوانست طرح را عملی کند، با وصول تسهیلات و مطالبات، این اعتبار را به راحتی به کسی دیگر بدهد تا برای اجرای طرح خود استفاده کند.

سفته با ظهرونیسی زنجیره‌ای یا اشخاص معتبر: در این ارتباط هم ما قبلاً تجاربی را داشتیم، چنانکه سفته‌های زنجیره‌ای از افراد گرفته شده و مطالبات به صورت معوق درآمده است. مثلاً فردی برای همسایه خود و او نیز متقابلاً برای او امضا کرده و در پایان هیچ کدام انگیزه‌ای برای پرداخت پول ندارند. اینها با توجه به بافت فرهنگی و اجتماعی که ما داریم، مشکلاتی را به بار می‌آورد، به طوری که در نهایت موجبات بدبینی روستاییان نسبت به سیستم بانکی را فراهم می‌کند و موجب از بین رفتن تسهیلات بانکی و نزاع و اختلاف با بانک‌ها بشود.

چک: چک در تمام دنیا سند قابل پرداخت و وسیله پرداخت است که اصلاً به عنوان تضمین نمی‌توان از آن استفاده کرد. در رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور و در حکم قانون هم این معنی تأیید شده است. در مورد صدور چک همانطور که گفتیم، چک وسیله پرداخت است و در

بله، چون اولاً، مفید بودن طرح و دارا بودن توجیهات لازم فنی، مالی و اقتصادی بهترین ضمانت اجرای بازگشت بمرقع تسهیلات است؛ ثانیاً، در موردی که تردید وجود دارد، ما با رضایت فرد متقاضی وثیقه ملکی دریافت می‌کنیم. آنچه مسلم است، بانک بنا به وظیفه خود بررسی‌های کارشناسی را انجام می‌دهد و معمولاً نسبت به سایر وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها دقیق‌تر است، زیرا می‌خواهد پولی را که به عنوان تسهیلات ارایه می‌دهد، بمرقع بازگشت داشته باشد. این بررسی‌ها دیدگاه خوبی هم به متقاضی می‌دهد و او نیز بخوبی درمی‌یابد که پایان طرحش به کجا خواهد انجامید.

واضح است که ما به دنبال وثیقه نیستیم و اگر از متقاضی وثیقه خارج از طرح می‌خواهیم، در واقع، زنگ خطری را برای او به صدا در می‌آوریم که بدانند ممکن است طرح وی نتیجه خوبی نداشته باشد. پس بانک به هیچوجه متقاضی را مجبور به ارایه وثیقه خارج از طرح نمی‌کند، مگر اینکه در احراز صلاحیت متقاضی یا توجیهات طرح نکات مهمی وجود داشته باشد. اما در برخی از معاملات نیز در بخش‌های اقتصادی مثل بخش بازرگانی چون ریسک بالا است، بانک‌ها معمولاً تمایل بیشتری به گرفتن وثیقه غیرمنقول دارند.

در اینسجا لازم است اشاره‌ای هم به سپرده‌های قرض‌الحسنه و سرمایه‌گذاری بکنیم. در سپرده‌های مذکور بانک‌ها ملزمند عندالمطالبه وجوه سپرده‌گذاران را مسترد کنند. این، هم تعهد سنگینی است و هم در رابطه با بکارگیری سپرده‌های سرمایه‌گذاری مسوولیت‌های قانونی و شرعی وجود دارد. پس بانک‌ها باید طوری عمل کنند که اطمینان جامعه را به خود جلب کنند تا برای سپرده‌گذاران - اعم از سرمایه‌گذاری یا قرض‌الحسنه - مقبولیت عامه پیدا کنند و پول‌ها در سیستم بانکی جمع شود و در مسیر صحیح خود به حرکت در آید.

● وضعیت مطالبات معوق بانک‌ها و آمارهای مربوط به آنها چگونه است؟ آیا گرفتن وثیقه ملکی در کاهش یا افزایش میزان مطالبات بانک‌ها اثر دارد یا خیر؟

○ وقتی که بانک‌ها معاملاتی را انجام می‌دهند، طبیعتاً ممکن است تعدادی از آنها نیز معوق شود. هر بانک براساس پیش‌بینی‌هایی که به عمل می‌آورد، در شرایطی تسهیلاتی را پرداخت می‌کند، اما در سال بعد ممکن است شرایط تغییر کند و در این شرایط پیش‌بینی‌ها محقق نشود.

آنچه مسلم است، باید دید که کل مطالبات معوق چقدر طبیعی و چه مقدار غیرطبیعی است. اصولاً، مطابق استانداردهایی که درحسابرسی وجود دارد، هر بانکی که مطالبات معوقش به بیش از ۲ درصد بالغ شد، زنگ خطری برای آن بانک محسوب می‌شود. علیرغم تمهیداتی که سیستم بانکی بکار گرفته، مطابق آمارها

○ اگر متقاضی اصرار داشته باشد که ریسک کنند، ما ناگزیر برای پوشش ریسک بانک و برای خصمایت از تولید وثیقه می‌گیریم.

○ خاوری: نیازی به تصویب قانون عدم الزام نبود، چون ما در گذشته هم این اصل را در نظر می‌گرفتیم و اجرا می‌کردیم.

قانون تجارت نیز عنوان شده که چک تاریخ صدور دارد و سررسید ندارد. این قانون با سایر قوانین موضوعه در تعارض است، ولی چون قانون است و قوه مقننه تصویب کرده، می‌گوییم این قانون خاص، قانون تجارت و قانون صدور چک و آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور را تخصیص داده و در این قانون عنوان شده که از چک می‌توان به عنوان تضمین استفاده کرد. این موضوع به سیستم اقتصادی کشورمان هم لطمه می‌زند، زیرا اگر فرد در سررسید تسهیلات، مطالبات بانک را پرداخت نکند، بانک ناچار است نسبت به چک گواهی عدم پرداخت دریافت کند و وقتی چنین چکی برگشت شود، جنبه کیفری ندارد، بلکه باید از خصیصه حقوقی یا اجرایی آن استفاده کرد. پس باید یا اجراهیه صادر کنیم یا دعوای خود را دادگستری مطرح کنیم و قبول این چک‌ها با علم به این موضوع است که در تاریخ صدور، صادرکننده معادل آن وجه یا اعتبار در بانک ندارد. بنابراین، موجب رواج چک بلامحل می‌شود.

کالای ارزش‌دار: اصلاً این کالای ارزش‌دار چیست؟ طلا؟ جواهرات؟ آیا کالاهایی است که توسط واحد تولیدی ساخته شده است؟ مواد اولیه واحدهای تولیدی است؟ قابلیت مبادله دارد؟ پس در این جا یک مبحث کلی مطرح شده است و کاملاً واضح نیست، زیرا رهن و وثیقه یک حق عینی تبعی برای مرتین ایجاد می‌کند و لازمه این حق، عدم تصرف منافی با حق توسط رهن است که توجیه آن خالی از اشکال نیست، به خصوص در رابطه با تولیدات و مواد اولیه واحدهای تولیدی.

● با توجه به این توضیحات، به نظر می‌رسد که قانونگذار در تصویب این ماده واحده، هدف خاصی را دنبال می‌کرده است. نظر شما در این باره چیست؟

○ این سوال را باید طراحان پاسخ دهند، اما آنچه ظاهراً مسلم است، آنها خواسته‌اند تسهیلاتی را برای تولید و صادرات ایجاد کنند، لیکن قانونگذار در عمل بدون توجه به کلیت و عام بودن قانون، به جزئیات اشاره کرده و یک سری مصادیقی را به عنوان وثیقه و تضمین مشخص کرده است، حال آنکه از خصایص قانون، کلی و دایمی بودن آن است. معنی استمرار قانون هم همین است که در همه اوضاع و احوال تا سرحد امکان بتواند پاسخگوی نیاز جامعه باشد و با توجه به مسایلی که اتفاق می‌افتد، راه حل‌هایی را ارائه دهد.

در بخش دیگری از این قانون اعلام شده است که ضمانت و تمهیدنامه کارکنان دولت و مؤسسات و شرکت‌های معتبر (حداکثر تا ۲۰ برابر حقوق و مزایای ماهیانه). در این خصوص باید گفت کارمند دولتی که ماهانه ۱۰۰ هزار تومان حقوق می‌گیرد، ۲۰ برابر حقوق متوسط او ۲ میلیون تومان می‌شود. باید پرسید کدام طرح تولیدی را می‌توان با ۲ میلیون تومان اجرا کرد؟

در آخر این ماده هم اعلام شده هر نوع تمهیدنامه و قرارداد دیگری که بتواند موجب تضمین برگشت منابع بانک باشد. در این زمینه هم باید گفت که این موضوع هدف ما در بانک است و ما باید تضمین‌های لازم را برای برگشت سرمایه بانک داشته باشیم.

قانون معمولاً کلی صحبت می‌کند و مصادیق آن در عمل مشخص می‌شود. ما در گذشته هم این کار را کرده‌ایم. طرح‌ها را باید کارشناسی کرد. می‌توان آمار گرفت تا معلوم شود که از ۱۰۰ نفر متقاضی که برای اجرای طرح خود از بانک‌ها تسهیلاتی را گرفته‌اند، از چند نفر آنها خواسته شده است که وثیقه خارج از طرح ارائه بدهند.

در حال حاضر، عده‌ای از متقاضیان تسهیلات بابت ارائه وثیقه ملکی ابراز گله و شکایت می‌کنند، اما بهتر است این مسایل نیز مطرح شود که اشکال کار آنها در کجاست که بانک از آنها وثیقه مطالبه می‌کند. متقاضیان باید طرحشان را توجیه کنند و صلاحیت خود را برای بانک اثبات کنند، وگرنه این قانون چیز جدیدی را به ما نمی‌رساند، بلکه همین مصادیقی که برای وثیقه معرفی شده هم مورد قبول بوده است، زیرا در بررسی‌هایی که بانک صورت می‌دهد، ممکن است وثیقه‌ای از فرد دریافت نشود و با قرارداد لازم‌الاجرا تسهیلات ارائه شود، اما اگر در مورد اعتبار فرد و صلاحیت او تحقیق شود و نتایج طرح مثبت باشد و توجیه اقتصادی داشته باشد، ما دلیلی برای مطالبه وثیقه خارج از طرح نمی‌بینیم. اما در جایی که اشکال وجود دارد و اطمینان از برگشت سرمایه نیست، به خاطر رعایت حال موکلان (سپرده‌گذاران) و حفظ حقوق عمومی آنها این چنین وثایقی مطالبه می‌شود و این با اختیار خود متقاضی است که بخواهد از تسهیلات استفاده کند. اما به طور کلی، باید گفت که بانک، قانونی را که وضع شده، در عمل اجرا می‌کند و زمینه‌های اجرای قانون هم فراهم است.

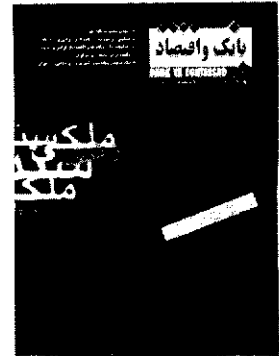
● با توجه به مطالبی که شما بیان کردید، در واقع، ابلاغ جدید به بانک‌ها، حکم جدیدی نیست. آیا فکر می‌کنید که اجرای این قانون موانعی را برای بانک‌ها ایجاد می‌کند؟

○ مانعی که خیر، اما تسهیلات جدیدی را هم به آن معنا فراهم نکرده است. بانک‌ها قبلاً هم به نوعی این قانون را اجرا می‌کردند و مسلماً قانونگذار از سیستم بانکی انتظار ندارد که در جایی که احتمال سوخت تسهیلات وجود دارد، اعتباری را پرداخت کند. ما در قانون عملیات بانکداری بدون ربا هم در بخش اهداف و وظایف و هم در آیین‌نامه‌های فصل دوم و سوم قانون این تکلیف را داریم که اطمینان از برگشت بموقع اصل و سود تسهیلات ضروری است، زیرا این اعتبارات از وجوه سپرده‌گذاران با رعایت صرفه و صلاح آنان پرداخت می‌شود. لذا بر همین اساس، در حال حاضر، سازمان‌های نظارتی تلاش می‌کنند تا تسهیلات در جایی پرداخت شود که امکان



○ **خساوروی: بانک، قانون وضع شده را اجسرا مسی کند و زمسینه‌های اجسرای قسانون هم فراهم است.**

○ **اگر از متقاضی وثیقه خارج از طرح مسی خواهسیم، در واقع، رنک خطری را برای او به صدا در می‌آوریم تا هسشارتر باشد.**



بازگشت اصل و سود آن وجود داشته باشد.

بنابراین، با توجه به صلاحیت و حسن شهرت متقاضی و اطمینان از تحقق و اجرای طرح، نوع وثیقه مشخص می‌شود. در یک طرح حتی ممکن است خود طرح هم به وثیقه گرفته شود و با یک قرارداد لازم‌الاجرا موضوع ماده ۱۵ قانون عملیات بانکی بدون ربا و در جای دیگر با امضای ضامن معتبر تسهیلات را پرداخت کنیم.

● به نظر شما، آیا این قانون با دیگر قوانین حاکم به نظامات پولی و بانکی کشور مغایرتی دارد یا خیر؟

○ همانطور که قبلاً در مورد چک توضیح دادم، در بخشی از این قانون به ارایه چک توسط متقاضی اشاره شده که این مبحث با قوانین قبلی از جمله قانون صدور چک، قانون تجارت، آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور و همینطور با عرف اسناد تجاری مغایر است، زیرا چک همیشه وسیله پرداخت بوده. اما این قانون (عدم الزام سپردن وثیقه ملکی به بانک‌ها) در عرض سایر قوانین قرار می‌گیرد، چون آن قوانین قبلی مقدم بر قانون موخرند و تا حدودی که با همدیگر تعارض داشته باشند، قانون مؤخر اجرا می‌شود، در نتیجه، این قانون، قوانین قبلی را تخصیص داده است. واقعیت این است که این قانون با نظام اسناد تجاری و اعتباری هم سازگاری ندارد. قانون باید جامع و مانع باشد. جامع بودن، یعنی اینکه این قانون بتواند هر چیزی را غیر از مصادیقی که در اینجا ذکر شده و قابلیت رهن گرفتن را دارد، در محدوده شمول خود قرار دهد و آنچه مغایر هدف قانونگذار است، از این محدوده خارج باشد.

همانطور که گفته شد، یکی از موارد ذکر شده در قانون، کالای ارزش‌دار بود. وقتی قانون وثیقه ملکی و غیر منقول را مستثنا می‌کند، پس کالای ارزش‌دار چیست؟ کالای ارزش‌دار کالاهایی هستند که قابلیت نقل و انتقال دارند و از لحاظ اقتصادی هر شیئی که بتواند با پول مبادله شود و مقبولیت عامه داشته باشد و برای ابراء ذمه و تعهد کاربرد داشته باشد، کالای ارزش‌دار است.

فلسفه عقد رهن این است که مالی که رهن گرفته می‌شود، حق عینی تبعی برای مرتهن یا رهن‌گیرنده ایجاد می‌کند و آن کالا حبس می‌شود تا رهن به تعهد خود عمل بکند. این امر مشکلاتی را در جامعه ایجاد می‌کند. فرض کنید که محصولات یک واحد تولیدی که ارزش‌دار است یا مواد اولیه مصرفی آن را به رهن و وثیقه بگیریم، صاحب کالا، از آن پس حق دخل و تصرف در آن جنس را ندارد، چون استفاده از عین کالا، یا ملازمه با تغییر و تبدیل دارد یا ملازمه با از بین رفتن و خروج از رهن که با حقوق مرتهن منافات دارد. بنابراین، هم برای تولید ایجاد مشکل می‌کند، هم مغایر با سایر قوانین است. پس به نظر می‌رسد که مانعیت هم در این قانون دیده نشده است و به نظر می‌رسد که اشکالاتی را ایجاد کند.

○ واقعیت این است که قانون عدم الزام سپردن وثیقه ملکی، با نظام اسناد تجاری و اعتباری سازگاری ندارد.

● پیامد این قانون برای سیستم بانکی چیست؟

○ اگر بخواهیم به مجریان طرح‌هایی که طرح آنها توجیه لازم را ندارد و اطمینان کافی از بازگشت تسهیلات وجود ندارد، تسهیلات پرداخت کنیم و بانک‌ها هم به همان مصادیقی که در قانون اشاره شده، اکتفا کنند و طرح‌ها با مشکل مواجه شود و مجری طرح نتواند مطالبات بانک را بدهد، آیا می‌شود از محل مصادیق احصا شده در قانون طلب بانکی را استیفا کرد؟

باید گفت که در این حالت دریافت مطالبات کار مشکلی است و بانک‌ها باید زحمات زیادی را بکشند تا بتوانند این مطالبات را وصول کنند. در نتیجه، به احتمال قوی میزان مطالبات سررسید شده معوق و مشکوک الوصول بیشتر می‌شود.

از طرف دیگر، بانک‌ها برای دریافت این مطالبات ناچارند نیروی زیادی را صرف کنند و حجم دعاوی در قوه قضاییه هم بیشتر می‌شود و طی تشریفات قانونی برای وصول طلب نیز سبب می‌شود که حجم مطالبات معوق انباشته شود.

از سوی دیگر، همین امر موجب ایجاد مشکلات فرهنگی نیز می‌شود. به عنوان مثال، اگر در یک روستا که همه افراد آن با یکدیگر خویشاوند هستند، وثیقه ملکی زراعی کسی را به وثیقه بگیریم و فردا آن ملک را تملک کنیم، آیا نماینده بانک می‌تواند به آنجا برود و حق بانک را اعمال کند؟ قاعدتاً از نظر قانونی می‌تواند، اما از نظر بافت فرهنگی روستا، آیا میان روستاییان نسبت به بانک بدبینی حاصل نمی‌شود؟ مسلماً بانک براحتی نمی‌تواند آن ملک را به فروش برساند، چون سایر روستاییان حاضر به خرید چنین ملکی نیستند.

● بنابراین، می‌توان گفت که بانک‌ها با مفاد این قانون چندان ناآشنا نیستند و در عمل نیز این موارد را پیاده می‌کرده‌اند؟ اما با قانون جدید ممکن است مشکلاتی برای آنها بوجود آید. درست است؟

○ اگر برای بانک‌ها شرایطی را بوجود آورند که بانک‌ها نتوانند کارشناسی صحیح و اختیار خود را در مورد طرح‌های متقاضیان تسهیلات انجام دهند، مسلماً بانک‌ها با مشکلاتی مواجه خواهند شد.

● بنابراین، راهکار تخصصی بانکی برای تأمین اهداف قانونی و در عین حال، کاهش ریسک اعتباری و ریسک عدم پرداخت در اعطای تسهیلات بانکی چیست؟

○ اصولاً تمام بانک‌های دنیا برای اینکه تسهیلاتی را به افراد حقیقی یا حقوقی پرداخت کنند، در ارتباط با وی اطلاعاتی را جمع‌آوری نموده و تحقیقاتی را در خصوص اعتبار متقاضی به عمل می‌آورند، و عملکرد شخص حقیقی یا حقوقی و مؤسسان و اداره‌کنندگان شخص حقوقی را مورد بررسی قرار می‌دهند تا از حسن شهرت وی و پایبندی به انجام تعهداتش اطمینان حاصل کنند.



شما چیست؟

○ آنچه مسلم است، بانک‌ها در مواردی که ریسک پذیری طرحی بالا باشد، ناچارند از این واحدهای تولیدی وثیقه مطالبه کنند. مثلاً در صنعت مرغداری که شما عنوان کردید، تاکنون ما به بسیاری از مرغداری‌ها تسهیلاتی را ارائه کرده‌ایم، اما مشکل بسیاری از آنها با بانک این است که متأسفانه اکثر آنها بدهی معوق دارند و علیرغم این بدهی، تقاضای افزایش تسهیلات می‌کنند و بانک هم نمی‌تواند به عنوان وکیل سپرده‌گذاران، در جایی که پول داده و برگشت نداشته، مجدداً تسهیلاتی را پرداخت نماید.

متأسفانه، بعضی از واحدهای تولیدی با مشکل روبرو هستند و انتظار دارند که بانک‌ها سود تسهیلات، خسارت و تأخیر آنها را ببخشند و اصل سرمایه را برای مدتی طولانی تمدید کنند. چنین انتظاری از بانک صحیح نیست، زیرا بانک مؤسسه تجاری انتفاعی است و وظیفه سیستم بانکی این است که در چهارچوب کار کارشناسی حرکت کند و اگر متقاضی کمبود نقدینگی دارد و از برگشت اصل و سود تسهیلات اطمینان ندارند، باید با رعایت ماهیت حقوقی معاملات آن را تمدید کند.

● در پایان، اگر صحبت خاصی هم دارید، بفرمایید.
○ توصیه این است که برای سهولت در استفاده از تسهیلات، متقاضیان در درجه اول اطلاعات لازم و کافی در مورد چگونگی اجرای طرح را جمع‌آوری و نتایج اجرای پروژه را ارزیابی کنند و در اختیار بانک‌ها قرار دهند تا بانک کار کارشناسی خود را انجام دهد. مسلماً هر چه اطلاعات ارائه شده جامع‌تر و کامل‌تر باشد، ابهامات بانک از بین خواهد رفت. اگر در نتیجه تحقیقات برای بانک روشن شود که ابهامی در طرح متقاضی وجود ندارد، چون ریسک بانک کاهش می‌یابد، وثیقه اضافی مطالبه نخواهد شد. اما متقاضیان طرح‌های تولیدی نیز باید به نظر کارشناسی بانک توجه کنند و در طرح‌هایی که فاقد توجیه کافی است، اصرار برای دریافت تسهیلات نکنند و اگر بخواهند که قبول ریسک غیرمعمول بنمایند، نباید انتظار پرداخت تسهیلات توسط بانک را داشته باشند.

توصیه دیگر اینکه، متقاضیان با مطالعه قوانین و مقررات مربوط به اعطای تسهیلات مانند قانون عملیات بانکی بدون ربا، آیین‌نامه فصل سوم قانون مذکور، دستورالعمل‌های اعطای تسهیلات و... اطلاعات خود را افزایش داده و با مراجعه به ادارات ذیربط در بانک‌ها و استفاده از نظریات کارشناسی، توان خود را برای استفاده صحیح از تسهیلات افزایش دهند.

● از شما تشکر می‌کنیم.

همچنین، متقاضی دریافت تسهیلات باید توان مالی تأمین قسمتی از هزینه‌های مالی طرح یا معامله را باشد.

مطابق قانون عملیات بانکی بدون ربا و آیین‌نامه فصل سوم این قانون، خود متقاضی نیز باید قسمتی از هزینه‌های طرح را تأمین کند، چنانکه متقاضی حداقل باید ۲۰ درصد هزینه طرح را داشته باشد تا انگیزه‌ای برای اجرای طرح باشد.

آنچه مسلم است، اگر متقاضی تسهیلات شرایط لازم را از جهات مختلف (توجیه اقتصادی، فنی و مالی طرح، داشتن مجوزهای لازم، داشتن تخصص و حسن شهرت) داشته باشد و بتواند تصویر روشنی از طرح ارائه دهد و سابقه سویی در انجام تعهداتش نداشته باشد، این مطلب برای بانک کافی است و نیازی به ارائه وثیقه ملکی اضافی ندارد.

● به نظر شما، چرا از زمان تصویب این قانون، مخالفت‌ها

و واکنش‌هایی در سیستم بانکی ایجاد شده است؟

○ مخالفت‌ها به دلیل عدم استنباط صحیحی است که متقاضیان از قانون مورد بحث دارند. عموماً این انتظار در متقاضیان ایجاد شده که با تصویب این قانون، به صرف درخواست متقاضی و بدون کار کارشناسی و عدم ارائه وثیقه، بانک‌ها باید تسهیلات را بپردازند که مسلماً این استنباط مورد نظر قانونگذار نیست، زیرا با مصالح عموم سپرده‌گذاران و بانک‌ها به عنوان مؤسسات اعتباری دولتی مستطبق نیست و مخالفت بانک‌ها با چنین استنباطی است.

در مورد واکنش‌ها، به نظر من، بانک‌ها می‌خواهند اختیار کارشناسی خود را در اعطای تسهیلات داشته باشند. مسلماً هدف قانونگذار هم این نیست که این اختیار را از بانک‌ها سلب کند. بانک‌ها معتقدند که در طرح‌هایی که امکان ریسک بالاست (فاقد توجیهات کافی است) باید وثیقه غیر منقول دریافت کرد یا حداقل وثیقه سهل‌البیعی که لزوماً ملکی نیست، و این وثیقه سهل‌البیعی اطمینان را در بانک برای اجرای طرح و برگشت اصل و سود تسهیلات باید ایجاد کند.

اخیراً پیرامون این موضوع بحث‌های زیادی می‌شود و بسیاری از متقاضیان تسهیلات اظهار می‌کنند که می‌خواهند طرحی را آغاز کنند و سیستم بانکی از همکاری با آنها امتناع دارد، لیکن طرح از لحاظ کارشناسی بانکی دارای توجیه کامل نیست، ولی متقاضی اصرار به اجرای آن دارد. در چنین حالتی، متقاضی حاضر به قبول نظریه کارشناسی بانک نیست، لذا مساله وثیقه بهانه‌ای می‌شود که اصل موضوع را که همان عدم استحقاق دریافت تسهیلات است، تحت الشعاع قرار دهند.

● در همین ارتباط، صنایع از عدم توجه بانک‌ها به قانون جدید گلّه‌مند هستند و مرتب در محافل مختلف اظهار نارضایتی می‌کنند. به عنوان مثال، فعالان صنعت مرغداری گلّه‌مندند که بانک‌ها به خواست آنها توجه ندارند. نظر

○ اگر شرایطی را بسوجود آورند که بانک‌ها نتوانند از کارشناسی صحیح و اختیار خود در مورد طرح‌های متقاضیان تسهیلات استفاده کنند، مسلماً مشکلات بسیاری برای بانک‌ها ایجاد می‌شود.